

غزوه تبوك

و اعلام امامت امير المؤمنين عليه السلام

رضا بازوند

مرکز حقائق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله

غزوه تبوک و اعلام امامت امیر المؤمنین علیه السلام

چکیده

یکی از غزوه های پیامبر صلی الله علیه و آله، جنگ تبوک است. در این غزوه به دلیل رسیدن خبر تحرکات نظامی رومیان علیه مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان دستور به آماده شدن برای جنگ دادند. از جمله وقایع مهم این غزوه، امر پیامبر صلی الله علیه و آله به ماندن امیر المؤمنین علیه السلام در مدینه بود. اتفاقی که منجر به ایراد سخنی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در حق امیر المؤمنین علیه السلام شد که به حدیث منزلت شهرت یافت. حدیثی که در آن تمامی منازل و مقامات هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام به جز نبوت، برای امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اثبات شده است. ما در این مقاله ابتدا صحت و تواتر این حدیث و سپس دلالت آن بر امامت و افضلیت امیر المؤمنین علیه السلام را اثبات می کنیم.

کلید واژه‌ها

تبوک، امامت، خلافت، افضلیت، تواتر حدیث، صحت حدیث، عمومیت منازل

مقدمه

یکی از غزوه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جنگ تبوک است. این غزوه در سال نهم هجری بعد از آن به وقوع پیوست که به پیامبر خبر رسید، رومیان سپاه بزرگی در شام تشکیل داده‌اند و هرقل، فرمانروای آن‌ها با قبائل لخم و جذام و عامله و غسان، برای مقابله با مسلمانان همدست شده است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور به آمادگی برای جنگ دادند و این در حالی بود که هوا بسیار گرم بود و مردم در سختی و تنگدستی زندگی می‌کردند و هنگامه چیدن و بهره‌برداری از میوه‌ها بود. به همین دلیل، مردم ترجیح می‌دادند به جنگ نروند و از سایه و میوه درختان استفاده کنند. اما با توجه به امر پیامبر مبنی بر خروج، بسیاری از مردم که تعداد آن‌ها سی هزار نفر گفته شده است، آماده جنگ شده و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی مرز با رومیان حرکت کردند.

در مقابل، منافقان در دل مسلمانان رعب و وحشت از جنگ با رومیان می‌انداختند و عبد الله بن ابی، یکی از سران منافقان، طرفدارانی دور خود جمع کرده و سپاهی تشکیل داده بود.

در هر صورت، پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش بعد از طی کردن منازلی، به تبوک رسیدند و حدود بیست روز در آنجا بودند اما رومیان را ندیدند. بنابراین در ماه رمضان به مدینه بازگشتند.^۱

در طول این واقعه، اتفاقات زیادی به وقوع پیوست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، انتصاب امیر المؤمنین علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان جانشین خود در مدینه برای مقابله با منافقان مدینه و جلوگیری از شورش آن‌هاست. این در حالی است که حضرت علی علیه السلام در تمامی غزوات پیامبر به جز این غزوه حضور داشتند. این امر موجب شد منافقان، امیر المؤمنین علیه السلام را مورد شماتت و سخره قرار دهند که نتیجه آن شکایت امیر المؤمنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله از گفتار آنان و ایراد سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق حضرت امیر علیه السلام بود که به حدیث «منزلت» مشهور شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث خطاب به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی غیر انه لا نبی بعدی»^۲

آیا راضی نیستی به این که نسبت به من، به منزله هارون نسبت به موسی باشی جز این

که پیامبری بعد از من نیست؟

ما در این نوشتار برآنیم که صحت سند این حدیث و دلالتش بر افضلیت و امامت و خلافت

۱. رجوع کنید به طبقات الکبری: ۲/ ۱۶۵ و تاریخ الطبری: ۳/ ۱۰۰

۲. صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱

امیر المؤمنین علیه السلام را بر اساس مبانی و منابع اهل سنت اثبات کنیم.

اثبات صحت سند حدیث منزلت

این حدیث یکی از احادیث صحیح و بلکه متواتر است. برای این منظور بحث را در سه مرحله اثبات تواتر حدیث و تصریح علماء و بزرگان اهل سنت به آن، تصریح آن‌ها به صحت حدیث و نقل آن در صحیحین پی‌گیری می‌کنیم.

اثبات تواتر و تصریح به آن

حدیث منزلت را تعداد زیادی از صحابه نقل کرده‌اند. سید بن طاووس در الطرائف، کتابی را از تنوخی^۱ درباره حدیث منزلت و طرق آن گزارش می‌کند که در آن از حدود سی صحابی و تابعی به عنوان روایان این حدیث نام می‌برد. اسامی آن‌ها عبارت است از: امیر المؤمنین علیه السلام، عمر بن الخطاب، سعد بن ابی وقاص، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عباس، جابر بن عبد الله الانصاری، ابو هریره، ابو سعید الخدری، جابر بن السمره، مالک بن الحویرث، البراء بن عازب، زید بن ارقم، ابو رافع، عبد الله بن ابی اوفی، زید بن ابی عوف، حذیفه بن أسید، انس بن مالک، بریده الأسلمی، ابو ایوب الانصاری، عقیل بن ابی طالب، حبشی بن جناده السلولی، معاویه بن ابی سفیان، ام سلمه، اسماء بنت عمیس، سعید بن المسیب، محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام، حبیب بن ابی ثابت، فاطمه بنت علی، شرحبیل بن سعد.^۲

همین کثرت روایان از طبقه صحابه که تعدادشان دست کم بیست و چهار نفر^۳ است، باعث می‌شود تا این حدیث در زمره احادیث متواتر شمرده شود؛ زیرا وجود این تعداد روای در طبقه صحابه، غالباً موجب تعدد روایان در دیگر طبقات نیز می‌شود. هم‌چنان‌که حاکم نیشابوری به تواتر آن تصریح کرده است. این مطلب را گنجی شافعی به نقل از او بیان کرده است. وی بعد از نقل این حدیث می‌نویسد:

۱. ذهبی درباره او می‌نویسد: «التنوخی أبو القاسم علی بن المحسن بن علی القاضی، العالم، المعمر، أبو القاسم علی ابن القاضی أبی علی المحسن بن علی التنوخی، البصری، ثم البغدادی، صاحب کتاب (الطوالات)، وولد صاحب کتاب (الفرج بعد الشدة)، وکتاب (النشور)، و غیر ذلك... قال الخطیب: کان متحفظاً فی الشهادة عند الحکام، صدوقاً فی الحدیث، تقلد قضاء المدائن وقرمیسین والبردان.» سیر اعلام النبلاء: ۱۷ / ۶۴۹ و ۶۵۰

۲. الطرائف فی معرفة مذهب الطوائف: ۱ / ۵۳ و ۵۴

۳. رجوع کنید به: تلخیص نفحات الازهار: ۱۸۲ و ۱۸۳

«قلت: هذا حديث متفق على صحته... قال الحاكم النيسابوري: هذا حديث دخل في حد التواتر.»^۱

صحت این حدیث مورد اتفاق است... حاکم نیشابوری گفت: این حدیث متواتر است. از دیگر عالمان بزرگ که این حدیث را متواتر می‌دانند، جلال الدین سیوطی است. وی این حدیث را در یکی از کتبش به نام قطف الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة که احادیث متواتر را در آن جمع‌آوری کرده است، ذکر می‌کند.^۲

تصریح به صحت حدیث

در صورتی که بپذیریم حدیث منزلت متواتر نباشد، باید سند را تصحیح کنیم. یکی از راه‌های تصحیح سند، تصریح بزرگان اهل سنت به صحت حدیث است. ابن عبدالبر در الاستیعاب^۳ و مزی در تهذیب الکمال^۴، این حدیث را از جمله ثابت‌ترین و صحیح‌ترین روایات می‌دانند.

نقل حدیث در صحیحین

این حدیث را هم بخاری و هم مسلم در صحیحشان آورده‌اند و حدیثی که در صحیحین نقل شده باشد، بر اساس مبانی اهل سنت صحیح است. نووی، شارح صحیح مسلم در این باره می‌نویسد: «اتفق العلماء رحمهم الله على أن أصح الكتب بعد القرآن العزيز الصحیحان البخاری ومسلم وتلقتهما الامة بالقبول.»^۵

همه علماء اتفاق نظر دارند بر این که صحیح‌ترین کتب بعد از قرآن عزیز، صحیح بخاری و مسلم است و همه امت این دو کتاب را تلقی به قبول کرده‌اند.

قسطلانی، شارح صحیح بخاری نیز این‌گونه بیان می‌کند:

«واعلم أن شرط البخاری ومسلم أن یخرجا الحدیث المتفق علی ثقته نقلته إلى الصحابی

۱. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب: ۲۸۳.

۲. قطف الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة: ۲۸۱ ح ۱۰۳

۳. وروی قوله صلی الله علیه وسلم: «أنت منی بمنزلة هارون من موسی» جماعة من الصحابة، وهو من أثبت الآثار وأصحابها. «الاستیعاب فی معرفة الأصحاب: ۳/ ۱۰۹۷»

۴. وروی قوله علیه السلام: أنت منی بمنزلة هارون من موسی "جماعة من الصحابة، وهو من أثبت الآثار وأصحابها. «تهذیب الکمال فی أسماء الرجال ۲۰/ ۴۸۳»

۵. المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج: ۱/ ۱۴

المشهور من غير اختلاف بين الثقات الأثبات، ويكون إسناده متصلا غير مقطوع.^۱ بدان که شرط بخاری و مسلم این است که حدیثی را تخریج کنند که وثاقت ناقلانش تا صحابی مشهور، مورد اتفاق باشد بدون این که اختلافی بین ثقات باشد و همچنین شرطشان این است که سند حدیث متصل باشد و مقطوع نباشد. علاوه بر شیخین، بسیاری دیگر از صاحبان صحاح، سنن، مسانید و کتب معتبره در طول قرون مختلف این روایت را تخریج کرده‌اند.^۲ بنابراین، حدیث منزلت یکی از صحیح‌ترین احادیث، بلکه متواتر و قطعی الصدور است و جای هیچ شک و شبهه‌ای در سند آن وجود ندارد و بر اساس مبانی اهل سنت کاملاً قابل احتجاج خواهد بود.

دلالت حدیث منزلت بر افضلیت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث، تمامی منازل و مناصب هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام جز نبوت را برای حضرت امیر علیه السلام نسبت به خودشان اثبات می‌کنند. از جمله آن منازل و مناصب، امامت و خلافت و افضلیت هارون علیه السلام بعد از موسی علیه السلام است؛ پس امیر المؤمنین علیه السلام نیز به حکم این حدیث، امام و خلیفه و افضل بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستند. برای اثبات این ادعا ابتدا باید دلالت حدیث بر عمومیت منازل هارون نسبت به موسی ثابت شود؛ بدین معنا که عمومیت و کلیت منازل و مناصب، مراد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است نه بعضی از آن‌ها. سپس روشن شود که از جمله آن منازل و مناصب، امامت و افضلیت است تا دلالت حدیث بر آن‌چه گفتیم تمام باشد.

دلالت حدیث بر عمومیت منازل

توجه به دو نکته، دلالت حدیث بر عمومیت را برای ما مشخص و تمام می‌کند.

۱. اسم جنس مضاف مفید عموم است. عضد الدین ایجی در این باره می‌نویسد:

«ثم الصیغَةُ الموضوعَةُ له عند المحققین هی هذه... ومنها اسم الجنس، كذلك أي معرفة

۱. إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری: ۱۹ / ۱ و ۲۰

۲. رجوع کنید به: نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار: ۱۷ / از ص ۲۹

تعریف جنس أو مضافاً»^۱

صیغ وضع شده برای عموم نزد محققین اینها هستند... یکی از آنها، اسم جنس معرفه یا مضاف است.

در حدیث مورد تحقیق، منزله که اسم جنس است به هارون که علم است اضافه شده است؛ پس دال بر عموم است.

۲. امکان استثناء کردن از کلمه‌ای دلیل بر عمومیت آن است. بیضاوی در این باره می‌نویسد:

«ومعیار العموم: جواز الاستثناء؛ فانه یخرج ما یجب اندراجہ لولاه، و الا لجاز من الجمع المنکر.»^۲

معیار عموم جواز استثناء است؛ زیرا استثناء آنچه را که اگر نمی‌بود، دخولش تحت عموم واجب می‌بود را خارج می‌کند و گرنه استثناء از جمع نکره جائز می‌بود. (در حالی که این گونه نیست)

در این حدیث نیز استثناء از لفظ منزله که اضافه به علم شده است، قطعاً جائز است و امکان دارد.

لازم به ذکر است که این حدیث اختصاص به واقعه تبوک ندارد، بلکه در چندین موضع دیگر از جمله در روز مؤاخاه، هنگام تولد حسنین علیهما السلام، در جنگ خیبر، در قضیه سد الابواب و ... از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در حق حضرت علی علیه السلام صادر شده است^۳. بنابراین ادعای اختصاص آن به جنگ تبوک برای نفی عمومیت آن، ادعای پوچ و بی اساسی است.

منازل و مناصب هارون علیه السلام

برای هارون منازل و مناصبی از طریق دلائل عقلی و نقلی اثبات شده است که از آن جمله می‌توان از امامت و خلافت، وزارت، افضلیت، اعلمیت، عصمت و افتراض الطاعة نام برد. ما در این نوشتار درصدد اثبات مقام امامت و خلافت و همچنین افضلیت ایشان هستیم تا بدین وسیله امامت و خلافت و افضلیت را برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اثبات کنیم.

۱. شرح العضد علی مختصر المنتهی الاصولی: ۲ / ۵۹۱

۲. منهاج الوصول الی علم الاصول: ۱۲۲

۳. رجوع کنید به: نفحات الازهار فی خلاصه عبات الانوار: ۱۸ / ۳۶۴

۱. امامت و خلافت

یکی از منازل و مقامات هارون علیه السلام مقام خلافت است. قرآن به روشنی بر این مطلب دلالت می‌کند.

﴿... وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي...﴾^۱

و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش.

بغوی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیرش ذیل آیه ۸۱ سوره قصص به مقام امامت هارون تصریح

می‌کند و می‌نویسد:

«فلما قطع موسى بنى إسرائيل البحر جعلت الحبورة لهارون وهى رياسة المذبح فكان بنو إسرائيل يأتون بهديهم إلى هارون فيضعه على المذبح فتنزل نار من السماء فتأكله، فوجد قارون من ذلك فى نفسه وأتى موسى فقال: يا موسى لك الرسالة ولهارون الحبورة ولست فى شىء من ذلك، وأنا أقرأ التوراة لا صبر لى على هذا، فقال له موسى: ما أنا جعلتها فى هارون بل الله جعلها له...»^۲

زمانی که موسی دریا را برای بنی اسرائیل شکافت، حبوره که ریاست کشتارگاه است به هارون سپرده شد. پس مردم هدایای خود را نزد هارون می‌آوردند و او آن‌ها را بر کشتارگاه می‌گذاشت. پس آتشی از آسمان نازل می‌شد و آن‌ها را می‌خورد. قارون از این قضیه ناراحت شد و نزد موسی رفت و گفت: ای موسی رسالت برای تو باشد و حبوره برای هارون و من هیچ سهمی نداشته باشم؟ در حالی که من تورات می‌خوانم. نمی‌توانم بر این امر صبر کنم. موسی به او گفت: حبوره را من برای هارون قرار ندادم بلکه خداوند آن را برای او قرار داد.

۲. افضلیت

یکی دیگر از منازل هارون افضلیت اوست. هارون به اتفاق، افضل از دیگران است، در نتیجه امیر المؤمنین علیه السلام نیز به حکم این حدیث افضل از دیگران است. شعبه بن الحجاج که از بزرگان است^۳ به این مطلب تصریح کرده است. گنجی شافعی به نقل از او می‌نویسد:

۱. اعراف: ۱۴۲

۲. تفسیر البغوی: ۳/ ۵۴۵

۳. برای نمونه: ابن حجر به شدت وی را مورد تمجید قرار داده و توثیق می‌کند. «شعبه ابن الحجاج ابن الورد العتکی مولا هم أبو بسطام الواسطی ثم البصری ثقة حافظ متقن کان الثوری یقول هو أمير المؤمنین فی الحدیث وهو أول من فتنش بالعراق عن الرجال وذب عن السنه وکان عابدا من السابعة مات سنه ستین ع.» «تقریب التهذیب: ۲۶۶»

و قد نقل عن شعبة بن الحجاج انه قال في قوله (صلى الله عليه وآله) لعلی (عليه السلام): (أنت منى بمنزلة هارون من موسى). و كان هارون افضل أمه موسى (عليه السلام)، فوجب ان يكون علی (عليه السلام) افضل من كل أمه محمد (صلى الله عليه وآله) صيانة لهذا النص الصحيح الصريح كما قال موسى لأخيه هارون: اخلفني في قومي و أصلح.^۱

همانا از شعبة بن الحجاج نقل شده است که در مورد حدیث منزلت گفت: هارون افضل امت موسی علیه السلام بود پس واجب است علی علیه السلام افضل از همه امت محمد صلی الله علیه و آله باشد به دلیل صیانت و تحفظ به این نص صحیح صریح...

بنابراین بر اساس مفاد این حدیث که از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است، حضرت امیر علیه السلام افضل از دیگران است و کسی که افضل باشد، به حکم عقل و نقل همو امام است.

نتیجه

گفته شد یکی از وقایع مهم غزوه تبوک، امر پیامبر صلی الله علیه و آله به ماندن امیر المؤمنین علیه السلام در مدینه بود. اتفاقی که منجر به ایراد سخنی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در حق امیر المؤمنین علیه السلام شد که به حدیث منزلت مشهور شد. حدیثی که در آن تمامی منازل و مقامات هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام به جز نبوت، برای امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اثبات شده است.

همچنین بیان شد که این حدیث در صحیحین و بسیاری از کتب معتبر اهل سنت آمده است و بزرگان آنها به تواتر آن یا دست کم به صحت آن اعتراف کرده‌اند.

و در بخش دلالت حدیث گفته شد که این حدیث عموم منازل را اثبات می‌کند زیرا امکان استثناء کردن از کلمه‌ای دال بر عام بودن آن است. همچنین منزله اسم جنسی است که اضافه به علم شده است و این خود دلیل دیگری بر عمومیت است. از سوی دیگر اثبات شد که از جمله منازل هارون علیه السلام، امامت و خلافت و فضیلت اوست؛ در نتیجه امیر المؤمنین علیه السلام نیز بر اساس مفاد حدیث امام و خلیفه و افضل است.

۱. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب: ۲۸۳

منابع

۱. قرآن کریم
۲. إرشاد الساری لشرح صحيح البخاری، أحمد بن محمد بن أبی بکر بن عبد الملك القسطلانی القتیبی المصری، أبو العباس، شهاب الدین (ت ۹۲۳هـ)، المطبعة الكبرى الأميریة، مصر، چاپ هفتم، ۱۳۲۳ هـ
۳. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (ت ۴۶۳هـ)، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ
۴. تاریخ الطبری = تاریخ الرسل والملوک، وصله تاریخ الطبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبری (ت ۳۱۰هـ)، (صله تاریخ الطبری لعریب بن سعد القرطبی، المتوفی: ۳۶۹هـ)، دار التراث - بیروت، چاپ دوم، ۱۳۸۷ هـ
۵. تقریب التهذیب، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (ت ۸۵۲هـ)، تحقیق: محمد عوامه، دار الرشید - سوريا، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ
۶. تلخیص نفحات الازهار فی امامة الائمة الاطهار علیهم السلام، سید علی حسینی میلانی، انتشارات الحقائق، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۰ ش.
۷. تهذیب الكمال فی أسماء الرجال، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، أبو الحجاج، جمال الدین ابن الزکی أبی محمد القضاعی الکلبی المزنی (ت ۷۴۲هـ)، تحقیق: د. بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله - بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ
۸. سیر أعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی (ت ۷۴۸هـ)، تحقیق: مجموعه من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، تقدیم: بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵ هـ
۹. شرح [مختصر المنتهی الأصولی للإمام أبی عمرو عثمان ابن الحاجب المالکی (المتوفی ۶۴۶هـ)]، عضد الدین عبد الرحمن الإیجی (ت ۷۵۶هـ)، تحقیق: محمد حسن محمد حسن إسماعیل، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ
۱۰. صحیح مسلم، أبو الحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری (۲۰۶ - ۲۶۱ هـ)، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، مطبعة عیسی البابی الحلبي وشركاه، القاهرة
۱۱. الطبقات الكبرى، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منیع الهاشمی بالولاء، البصری، البغدادی

- المعروف بابن سعد (ت ٢٣٠هـ)، تحقیق: إحسان عباس، دار صادر - بیروت، چاپ اول، ١٩٦٨ م.
١٢. الطوائف فی معرفة مذهب الطوائف، علی بن موسی ابن طاووس، تحقیق: علی عاشور، چاپ خیام، قم - ایران، چاپ اول، ١٤٠٠ هـ
١٣. قطف الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة، جلال الدین السیوطی، تحقیق: خلیل محیی الدین المیس، المكتبة الاسلامی، بیروت، چاپ اول، ١٤٠٥ هـ
١٤. کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، محمد بن یوسف الکنجی الشافعی، دار احیاء التراث اهل البيت (ع)، تهران، ایران، چاپ سوم، ١٤٠٤ هـ
١٥. معالم التنزیل فی تفسیر القرآن = تفسیر البغوی، محیی السنه أبو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوی الشافعی (المتوفی : ٥١٠هـ)، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول، ١٤٢٠ هـ
١٦. منهج الوصول الی علم الاصول، قاضی ناصر الدین عبد الله بن عمر البیضاوی، تحقیق: دکتر شعبان محمد اسماعیل، دار ابن حزم، بیروت - لبنان، چاپ اول ١٤٢٩ هـ
١٧. المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی (ت ٦٧٦هـ)، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ دوم، ١٣٩٢ هـ
١٨. نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار، سید علی حسینی میلانی، انتشارات الحقائق، قم - ایران، چاپ اول، ١٤١٦ هـ